

سید حسین موسوی\*

## ابعاد و پیامدهای تحریم‌های جدید آمریکا و اتحاد اروپا علیه ایران

هنوز مرکب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران خشک نشده، ایالات متحده آمریکا به همراه اتحاد اروپا به صورت منفردانه و جمعی دور جدیدی از تحریم‌ها را علیه برخی شرکتها و بانکها و شخصیت‌های ایرانی به مرحله اجرا گذاشتند. این اقدام آمریکا و اتحاد اروپا شامل مواردی است که در قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت وارد نشده و در گذشته (پیش نویس قطعنامه پیشنهادی آمریکا و انگلستان) از سوی دو کشور عضو دائمی شورای امنیت یعنی روسیه و چین مورد مخالفت قرار گرفته بود. روسیه در پاسخ به این اقدام ایالات متحده آمریکا و اتحاد اروپا، اولین کشور عضو دائمی شورای امنیت بود که تدابیر و اقدامات مضاعف آمریکا و اتحاد اروپا علیه ایران را بر خلاف مصوبه شورای امنیت به شمار آورد. به نظر می‌رسد دیگر اعضای دائمی و غیردائمی شورای امنیت به ویژه چین و ترکیه و برزیل نیز در مورد این اقدام واشنگتن و اتحاد اروپا به صف روسیه خواهند پیوست.

این نوشته می‌کوشد علل شتاب ایالات متحده آمریکا و اتحاد اروپا در توسعه دامنه تحریم‌ها علیه ایران را مورد بررسی قرار داده و چشم‌اندازی از آینده روابط کشورهای عضو دائمی شورای امنیت و همکاری آنها به ویژه در موضوع هسته‌ای ایران را ترسیم کند.

\* رییس مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

اکنون آشکار شده است که ایالات متحده آمریکا و انگلستان یعنی دو کشور پیشنهاد کننده پیش نویس قطعنامه ۱۹۲۹ در رایزنیهای خود با دیگر کشورهای عضو دائمی شورای امنیت به ویژه روسیه و چین موفق به جلب توافق آنها در مورد دامنه تحریمها نشدند، اما از طرف دیگر نمی توانستند طرح پیشنهادی خود را از دستور کار شورای امنیت خارج کنند، از این رو آنها ترجیح دادند که با پذیرش پاره ای ملاحظات روسیه و چین به حداقلی از اجماع به ویژه در میان کشورهای عضو دائمی شورای امنیت برای صدور قطعنامه چهارم دست یابند. روسیه بارها و بارها روی این نکته تأکید کرده و می کند که طرح پیشنهادی آمریکا و انگلستان در قطعنامه چهارم علیه ایران وسیع تر از آن بود که در نهایت مورد تصویب قرار گرفت؛ یعنی اگر موضوع بازرسی کشتیهای ایرانی را از قطعنامه ۱۹۲۹ استثنا کنیم، این قطعنامه شبیه قطعنامه سوم خواهد بود. در اینجا هدف این نیست که ساحت روسیه و چین از تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ علیه ایران مبرا شود، بلکه هدف این است که به تلاشها و فشارهای وسیع غرب به رهبری آمریکا علیه روسیه و چین به منظور پذیرش حداقلی از فشارهای جدید به ایران برای پذیرش شرایط شورای امنیت اشاره شود. مسکو همواره روی این نکته تأکید داشته و دارد که قطعنامه جدید علیه ایران نباید وضعیت بخش خصوصی اقتصاد ایران را در معرض خطر قرار دهد. روسیه به این منظور از «فرمول تحریمهای هوشمندانه» سخن به میان آورد، اما با آشکار شدن تمایلات آمریکا و اتحاد اروپا از تصویب دور جدیدی از تحریمها اضافه بر آنچه در قطعنامه ۱۹۲۹ آمده بود، روسیه و احتمالاً در آینده نزدیک چین و حتی برخی کشورهای عضو غیردائمی شورای امنیت که به قطعنامه چهارم علیه ایران رأی مثبت دادند، به این نتیجه خواهند رسید که ایالات متحده آمریکا و اتحاد اروپا از فرمول پرش از روی مصوبات شورای امنیت استفاده کرده و هدف آنها چیزی فراتر از تلاش برای توقف غنی سازی اورانیوم از سوی ایران است. بدین ترتیب می توان گفت که ایالات متحده آمریکا و اتحاد اروپا از چتر شورای امنیت برای توجیه رفتار و رشته تدابیر منفردانه خود علیه ایران بهره می گیرند و این مسأله می تواند در روابط این کشورها با آمریکا و اتحاد اروپا تأثیر منفی بگذارد. یکی از کارشناسان سیاست خارجی آمریکا در واکنش به اقدام جدید واشنگتن و اتحادیه اروپا علیه ایران گفته است که آمریکا به همراه متحدان غربی اش از همان

فرمولهایی بهره می گیرند که از نیمه نخست دهه نود میلادی قرن پیشین علیه عراق بهره گرفتند و در نهایت هم آمریکا و هم متحدان غربی اش بدون اخذ مجوز از شورای امنیت به عراق به بهانه وجود سلاح کشتار جمعی و حتی بر خلاف توصیه هانس بلکس، رییس وقت بازرسان آژانس بین المللی انرژی اتمی که بر تمدید مهلت بازرسی از تأسیسات نظامی عراق پافشاری می کرد، عمل کرد و به حمله نظامی گسترده به عراق مبادرت ورزیدند.

اقدام ایالات متحده آمریکا و اتحاد اروپا در توسعه دامنه تحریمها علیه ایران آن هم به فاصله چند روز از تصویب قطعنامه ۱۹۲۹، شکاف کشورهای عضو دائمی شورای امنیت را افزایش خواهد داد و حتی به نظر می رسد اجرای قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت را نیز متزلزل کند؛ زیرا این طور که از واکنش روسیه نسبت به اقدام جدید آمریکا و اتحاد اروپا پیداست، موافقت مسکو با متن قطعنامه ۱۹۲۹ مشروط به عدم توسعه دامنه آن از سوی کشورهای عضو دائمی شورای امنیت بوده است. در نتیجه می توان گفت که روسیه و احتمالاً چین در آینده نزدیک نسبت به ادامه همکاریهای خود با منظومه غربی در موضوع اتمی ایران و به ویژه در اجرای مفاد قطعنامه ۱۹۲۹ دچار تردیدهای جدی خواهند شد. پاره ای از اظهارات مقامات روسیه به ویژه مقامات بخش انرژی اتمی این کشور در مورد اتمام پروژه رآکتور اتمی بوشهر و همچنین اظهار نظر برخی مقامات روسیه در مورد احتمال از سرگیری مذاکره با تهران در مورد انتقال منظومه پدافندی اس. اس ۳۰۰ به ایران، باید در چارچوب ناخشنودی روسیه از اقدامات منفردانه آمریکا و اتحاد اروپا در برخورد با موضوع اتمی ایران مورد ارزیابی قرار گیرد. حداقل به نظر می رسد هم روسیه و هم چین به صورت عملی چندان التزامی به اجرای همه جانبه مفاد قطعنامه چهارم علیه ایران به دلیل تلاش آمریکا برای پرش از تلاشهای جمعی بین المللی از خود نشان نخواهند داد. این اختلاف نظرها و شکافها اگرچه به عمقی که مورد انتظار و توقع ایران است نخواهد رسید، اما سایه سنگین خود را بر مذاکرات سه ماه آینده در جریان نشست شورای امنیت برای استماع گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد در باب میزان التزام ایران به قطعنامه ۱۹۲۹ خواهد انداخت. این اختلافها چنان که گفته شد، روسیه و یا چین را به بهره گیری از حق وتو خود در شورای امنیت برای ناکام کردن آمریکا از سیاستهای منفردانه

سوق نخواهد داد، اما بی تردید این شکافها و اختلاف نظرها به روسیه و چین و حتی به دیگر اعضای سازمان ملل متحد این امکان و حتی این مجوز را خواهد داد که پایبندی چندانی به مفاد قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت علیه ایران از خود نشان ندهند؛ زیرا چنان که در بالا نیز اشاره شد، این اقدامات آمریکا و اتحاد اروپا علاوه بر پرش از روی نهاد شورای امنیت نقش کشورهای غیردایمی شورای امنیت را محدود به تأمین چتر مشروع بین‌المللی برای اجرای منویات شناخته نشده و غیرقابل پیش‌بینی ایالات متحده آمریکا خواهد کرد. این مسأله می‌تواند جایگاه حقوقی شورای امنیت را متزلزل کرده و اعضای سازمان ملل متحد را به جمع‌بندی یاس‌آوری برساند که تنها نهاد بین‌المللی دارای مشروعیت جهانی به تدریج به صورت بازیچه برخی کشورهای عضو دایمی شورای امنیت به ویژه آمریکا و انگلستان و فرانسه درآمده و بقیه اعضای این سازمان صرفاً در چارچوب تأمین خواسته‌های آمریکا و کشورهای غربی تلاش می‌کنند. در این زمینه باید تا شهریور ماه سال جاری منتظر ماند تا چگونگی واکنش کشورهای سازمان ملل متحد را به این اقدامات آمریکا و اتحاد اروپا مشاهده کرد. بی‌تردید سازمان ملل متحد و شورای امنیت در سال جاری مسیحی پاییز بسیار داغی در پیش خواهد داشت. تا آن زمان نیز به نظر می‌رسد بسیاری از کشورها با ارزیابی اولیه این اقدامات آمریکا و اتحاد اروپا و نیز بررسی هدفهای درازمدت آن، به این نتیجه خواهند رسید که در برخورد با قطعنامه ۱۹۲۹ نیز با احتیاط بسیار فراوان عمل کرده و از اتخاذ روشهای شبه خصمانه علیه ایران (در چارچوب تعلیق همکاریهای بانکی و یا بازرسی از کشتیهای با مبدأ یا مقصد ایران) پرهیز کنند.

از همان آغاز تصویب قطعنامه شورای امنیت (۱۹۲۹) علیه ایران، محافل سیاسی داخلی و ناظران بین‌المللی در مورد چگونگی برخورد دو کشور روسیه و چین و جانبداری آنها در نهایت از قطعنامه تحریم ایران، پرسشهای فراوانی مطرح کرده و برای یافتن پاسخهای آن به نشانه‌های فراوان از جمله حجم تبادل بالای بازرگانی چین و آمریکا از یک سو و توافق ایالات متحده آمریکا با روسیه برای کاهش زرادخانه موشکهای اتمی بالستیک (معاهده سارت ۲) استناد می‌کردند، اما در هر حال ایران در موضوع اتمی خود به ویژه در مذاکرات خود با کشورهای ۵+۱ کمابیش به ممانعت مسکو و پکن از تصویب قطعنامه‌های دردناک علیه ایران

امید داشت، اما اعلام پیش‌رس لاواروف، وزیر خارجه روسیه، نسبت به جانبداری از صدور قطعنامه جدید شورای امنیت پاره‌ای از محافل داخلی ایران را در معرض یک شوک جدی قرار داد، تا آنجا که آقای احمدی‌نژاد آن نطق معروف را در شهرستان کرمان خطاب به رهبر روسیه ایراد کرد و همین بگو مگوها سبب وزش باد نسبتاً سرد سیبری بر فضای روابط ایران و روسیه شد، اما نکته‌ای که به نظر می‌رسد هنوز از سوی کارشناسان امور استراتژیک در کشور مورد بررسی و مذاقه جدی قرار نگرفته، این است که با وجود منافع بالای روسیه و چین با ایالات متحده در مقایسه با ایران و نیز با وجود آنکه نباید در این گونه موارد حوزه اخلاق و روابط همسایگی و از این قبیل معیارها را مورد توجه قرار داد، یک نکته مهم در پس سیاستهای جدید روسیه و چین در مقابل ایران باید مورد مطالعه همه جانبه قرار گیرد. پیش از طرح این مسأله توجه به معادله روابط چین با کره شمالی و ثبات این روابط طی دهه‌های گذشته جلب توجه می‌کند. همین مسأله تاکنون مانع تشدید فشارهای بین‌المللی علیه پیونگ‌یانگ شده و این را باید مرهون سیاستهای چین به شمار آورد. در واقع اگر کره شمالی نسبت به پذیرش قواعد بازی بین‌المللی آن هم در جهان تک‌قطبی به رهبری آمریکا خودداری می‌کند، حداقل این کشور هنوز از جمله متحدان راهبردی (عقیدتی و راهبردی چین در شبه کره) به شمار می‌رود. به عبارت دیگر کره شمالی پذیرش معادله چین را جایگزین معادلات بین‌المللی کرده و در این تعویض ضریب امنیتی خود را افزایش داده است. در بازگشت به موضوع ایران به نظر می‌رسد هم روسیه و هم چین به این نتیجه رسیدند که ایران باید در چارچوب قواعد بازی بین‌المللی بازی کرده و به این قاعده احترام بگذارد. جانبداری مسکو و پکن از قطعنامه ۱۹۲۹ با وجود تلاشهای این کشور برای تلطیف مفاد و کاهش دامنه آن باید مورد ارزیابی همه جانبه از منظر منافع راهبردی جمهوری اسلامی ایران در عرصه مناسبات بین‌المللی قرار گیرد. در هر حال ایران نه تنها به همراه و جانبدار (اگر نگوئیم هم‌پیمان) در عرصه کشمکشهای بین‌المللی نیاز دارد، بلکه در موضوع حساسی همچون پرونده هسته‌ای باید از منظر معادلات حاکم بر قواعد بازی در مقیاس بین‌المللی تحولات و دگرگونیها را مورد ملاحظه قرار دهد. به نظر می‌رسد هم چین و هم روسیه طی ماههای اخیر به این نتیجه رسیدند که ایران قصد ندارد از قاعده بازی

شناخته شده پیروی کند. وارد کردن ترکیه و برزیل به عنوان دو عنصر جدید در مناقشات مربوط به تبادل سوخت اتمی اگر با موفقیت پیش می‌رفت، تحولات جهانی و کلید حل و فصل آن از دست چند نیروی سنتی مانند ایالات متحده و اروپا و تا حدودی چین و روسیه خارج می‌شد و نیروی جدید و تازه نفس و نیز نیروهای دارای موقعیت قابل احترام در منطقه نظیر ترکیه وارد صحنه حل و فصل منازعات و کشمکشهای سیاسی می‌شدند و این می‌توانست سرآغازی برای افول قدرت آمریکا و اروپا نسبت به تأثیرگذاری در محیطهای ناآرام باشد. نکته مهم که کمتر مورد توجه ناظران سیاسی قرار گرفت، این بود که هم آمریکا و هم روسیه و حتی چین اگرچه در ظاهر به ورود ترکیه و برزیل به چتر پرونده اتمی ایران از زاویه تبادل اورانیوم تبریک گفتند، اما همه این کشورها به طور تقریباً مساوی در مورد مخاطرات ظهور نیروهای جدید در صحنه کشمکشهای منطقه‌ای و بین‌المللی نگران بودند؛ زیرا نباید از یاد ببریم هر کشوری که در موضوع حساسی نظیر پرونده هسته‌ای نقش آفرینی می‌کند، نقش دیگر کشورها به ویژه کشورهای طرف مناقشه کاهش می‌یابد و این به لحاظ چشم‌انداز درازمدت آن، به دیگر حوزه‌های نفوذ و تأثیرگذاری این کشورها نیز سرایت پیدا می‌کند و همچنین به دیگر قدرتهای نوظهور اجازه خواهد داد که با در پیش گرفتن سیاستی عادلانه‌تر در حل و فصل کشمکشهای منطقه‌ای و بین‌المللی، موقعیت برتری در یک و یا دو طرف مناقشه پیدا کنند. ملاحظه می‌شود که اسرائیل بیش از هر دولت دیگر از ورود و نقش آفرینی کشوری مانند ترکیه در مناقشه اعراب و اسرائیل نگران است؛ زیرا اسرائیل برای چند دهه است که قطب بندی حادی در شکل «عرب یهود» و نزاع تاریخی آنها ایجاد کرده و از ورود مقولات جدید به ویژه مقولات اخلاقی به این معادله جلوگیری می‌کند.

ایران طی چند ماه آینده وضعیت حساسی از منظر روابط بین‌المللی خود پیش روی خواهد داشت. نگارنده در مورد تأثیرگذاری تعیین‌کننده تحریمها علیه ایران به لحاظ شناخت ابعاد این تحریمها و عادت قبلی کشور در برخورد با تحریمهای مشابه تردید دارد، اما نباید از یاد ببریم اگر در صحنه بازی شطرنج بین‌المللی نتوانیم مهره‌های حریف خود را یکی پس از دیگری از صحنه خارج کنیم حداقل در چارچوب یک بازی هوشمندانه نسبت به حفظ مهره‌های خود و

بهره‌گیری از آنها در موقع لزوم و عدم توقع حداکثری از آنها در شرایط غیرحداکثری همت گماریم تا این وضعیت دشوار را پشت سر بگذاریم. تاریخ ۳۰ ساله انقلاب اسلامی و وجود تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و غرب علیه ایران و اینک با وجود چهار دور تحریم علیه ایران، واقعیت این است که جمهوری اسلامی ایران به قدرتی بزرگ در منطقه تبدیل شده که حتی کشورهای دیگر را به هراس انداخته است. یعنی موضوع تحریمها، تلاش ایرانیان را برای اتکا به توانمندیهای خود در جهان بی‌رحم کنونی صدچندان کرده است، اما نباید از یاد ببریم که مقصد همه این توانمندیها، بالا بردن ضریب امنیت ملی کشور است نه کاهش دادن آن.



